



تیمائوس؛ بازگشت از عالم معقول به محسوس / معرفی رساله تیمائوس افلاطون

افلاطون در رساله تیمائوس نگاه هراکلیتی به عالم محسوسات دارد، عالمی که دارای ثبات و وحدت نیست و فلاسفه معمولاً توجه عمیقی به این عالم نداشته‌اند.

افلاطون در رساله تیمائوس نگاه هراکلیتی به عالم محسوسات دارد، عالمی که دارای ثبات و وحدت نیست و فلاسفه معمولاً توجه عمیقی به این عالم نداشته‌اند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه_زینب سیار: تیمائوس کتابی نوشته افلاطون در سن ۷۰ سالگی؛ اش است که «رمان تاریخی» و «افسانه» ای درباره طبیعت» نیز نام گرفته» است. این کتاب عمدتاً در قالب سخنگویی انفرادی (مونولوگ) طولانی است که توسط شخصیت اصلی، در حدود ۳۶۰ پیش از میلاد نوشته شده» است. این روش برای پیشبرد گمانه زنی در خصوص ماهیت جهان مادی و انسان است.

بعضی از مفسران افلاطون تیمائوس را یک اثر حاشیه» ای در میان آثار افلاطون به شمار می» آورده» اند چرا که درباره جهان محسوسات و نه جهان معقولات صحبت می» کند. در این رساله افلاطون نگاه هراکلیتی به عالم محسوسات دارد، عالمی که دارای ثبات و وحدت نیست و فلاسفه معمولاً توجه عمیقی به این عالم نداشته» اند بنابراین برخی دیگر از مفسران، تیمائوس را یک بازگشت از عالم معقول به عالم محسوس می» دانند. برخی دیگر از مفسران نیز می» گویند که افلاطون برای کامل کردن منظومه فکری خود نیاز داشت تا به طبیعیات نیز بپردازد، زیرا از نظر برخی یک فیلسوف باید اضلاع فکری و معرفتی متنوعی داشته باشد.

تیمائوس در جهان اسلام چندان تأثیرگذار نبوده است اما در جهان مسیحیت و یهودیت و در قرون وسطی کتابی مهم و تأثیرگذار به» شمار می» رفته است، زیرا مسیحیان و یهودیان عناصری را درباره خلقت عالم و تثلیث در تیمائوس می» یافتند که احساس می» کردند افلاطون تحت تأثیر سنت الهی بوده است. تفاسیر یهودیان و مسیحیان از تیمائوس شباهت زیادی با همدیگر دارند. آنها تیمائوس را در راستای تأیید عهد عتیق و عهد جدید تفسیر می» کرده» اند. با توجه به اینکه افلاطون در این رساله از صانع جهان، دمیورگ، آغاز کرده است، پس می» توان آن را رساله خداشناسی دانست، بسیاری از مفسران افلاطون به او لقب «افلاطون الهی» داده» اند.

بهترین شرح این کتاب توسط پروکلس، فیلسوف نوافلاطونی و شارح افلاطون در قرن پنجم، نوشته شده است. پروکلس رساله» ای به نام الهیات افلاطونی دارد. پروکلیوس بیان می» کند هدف افلاطون از رساله تیمائوس بیان مسیر خداشناسی است و از نظر وی کسی که خداشناسی نداند نمی» تواند وارد فلسفه شود. ارسطو در فیزیک خود اشاراتی به تیمائوس دارد و به نوعی خود ارسطو مفسر تیمائوس محسوب می» شود. عده» ای از مفسران افلاطون اعتقاد دارند که افلاطون را باید از طریق ارسطو شناخت.

در واقع در این رساله همه مباحثی که ارسطو درباره آنها در آثار خود بحث کرده است با نگاه و روشی متفاوت می» یابیم. افلاطون در تبیین طبیعت» شناسی به جای اینکه به تبیین موجودات طبیعی بپردازد سرگذشت جهان را در نظر می» گیرد و به این مسأله می» پردازد که جهان چیست و چگونه تشکیل شده است؟

برخلاف دیگر آثار افلاطون دیالوگهای اندکی در تیمائوس وجود دارد. این رساله از دو بخش اصلی تشکیل شده است؛ بخش اول گزارش سقراط از کتاب جمهوری است که این کتاب زنده و چکیده آثار افلاطون محسوب می» شود. با مطالعه جمهوری می» توان دید جامعی از آراء افلاطون به» دست آورد. مباحث مربوط به ساختار اجتماعی و عدالت در این کتاب وجود دارد و افلاطون بیان می» کند ساختار اجتماعی جدا از ساختار جهان» شناسی نیست، بنابراین در تیمائوس می» خواهد ارتباط ساختار سیاسی و ساختار جهان» شناسی را بازگو کند. و بخش دوم گزارش کریتیاس درباره قاره آتلانتیس و گزارش تیمائوس درباره خلقت جهان است. این رساله از یک سخنرانی نسبتاً مختصر توسط کریتیاس و یک سخنرانی مفصل توسط تیمائوس تشکیل شده است.

افلاطون نگاه هراکلیتوس، سیلان و صیورت جهان، را محدود به عالم محسوسات می» داند و سیر و سلوک را راهی برای رسیدن به عالم معقولات. از دید او معرفت» شناسی و هستی» شناسی باید از عالم

محسوسات عبور کند. طبیعیات راهی برای رسیدن به ریاضیات و از آنجا به فلسفه، اخلاق و در نهایت سیاست و تشکیل آرمانشهر می‌باشد. بنابراین افلاطون در حقیقت سیاست خود را بر پایه طبیعیات بیان می‌کند.

در تیمائوس پس از بیان خلاصه ای از جمهوری، کزیتیاس داستانی درباره سولون، از حکمای هفت‌گانه یونان، نقل می‌کند که کاهنی مصری به سولون می‌گوید شما یونانیان طفل هستید و همیشه در طفولیت خواهید ماند زیرا که اسناد تاریخی خود را در اثر حوادث و بلایای طبیعی از دست داده‌اید و در نتیجه گذشته خود را فراموش کرده‌اید. این بحث در جوامعی که تحت تأثیر افلاطون و تمدن یونان باستان قرار داشته‌اند بسیار جدی گرفته شد و تاریخ‌نگاری موضوع مهمی در فرهنگ آن جوامع محسوب می‌شد. پس از آن تیمائوس رشته سخن را در دست می‌گیرد و به بیان طبیعیات افلاطون می‌پردازد. تیمائوس به داستان جهان می‌پردازد. تیمائوس به جای اینکه به تبیین جهان بپردازد به آغاز پیدایش جهان می‌پردازد و بررسی می‌کند که چه پدیده‌هایی در طبیعت وجود دارند که باید آنها را شناخت.

بر خلاف ارسطو، افلاطون طبیعیات خود را از خلقت جهان آغاز می‌کند. کلی‌الافلاطون از آن بحث می‌کند اصول معرفتی جهان را شامل می‌شود. در ورای تبیین‌هایی که از جهان بیان می‌کند چند اصل وجود دارد؛ صانع یا دمیورگ بر اساس یک پارادایم جهان را می‌سازد و از خائوس (آشوب و بی‌نظمی) به کاسموس می‌رسد. در واقع در اینجا افلاطون بیان می‌کند که عالم از هیچ تشکیل شده است. سه ویژگی اصلی کاسموس زیبایی، هارمونی و نظم بوده که هر سه ویژگی در تضاد با خائوس است. این ویژگی‌ها یادآور افکار فیثاغورسیان است و به نوعی نشان دهنده این است که افلاطون مفسر و پیرو مکتب فیثاغورسیان است.

فیثاغورسیان بر اهمیت وجود ریاضی در عالم تأکید می‌کردند و از حساب الهی؛ نام می‌بردند. از نظر آنها ریاضیات یک امر وجودی بود بدون آن عالم به وجود نمی‌آمد و همچنین آنان اعداد را بر پایه خدشناسی تبیین می‌کردند. این ریاضیات مقدس که جدا از جهان‌شناسی نیست مورد توجه افلاطون قرار گرفته و در نتیجه ریاضی کردن طبیعت و استفاده از ریاضیات برای بیان طبیعت در تیمائوس وجود دارد. عدد ۳ در این رساله جایگاه ویژه‌ای دارد و بارها به آن ارجاع داده می‌شود. از دید افلاطون هرچیزی در طبیعت به ویژه عناصر اربعه از شکل سه ضلعی یا ترکیبی از چند سه ضلعی منتظم ساخته شده‌اند. بر اساس نسبت‌های معین اشکال مختلف در جهان ساخته شده‌اند.

افلاطون ادعا می‌کند که عقل یا همان لوگوس بر عالم محسوسات سیطره دارد و مهم‌ترین خصوصیت انسان نیز عقل است. این عقیده افلاطون نشان دهنده تأثیر گرفتن او از افکار آناکساگوراس است. بر اساس نظر آناکساگوراس جان انسان با جان عالم پیوند دارد و انسان عالم کبیر و جهان عالم صغیر است.

از آنجایی که تیمائوس بیان می‌کند که ریاضی‌وار باید به جهان نگاه کرد، این رساله مورد توجه دانشمندان علم مدرن مانند گالیله و نیوتون قرار می‌گیرد و علم مدرن استقلال خود از فلسفه و رویکرد ارسطویی را وامدار این بینش تیمائوس می‌داند.